



بیانات معظم له در دیدار اقشار مختلف مردم از اقصی نقاط کشور - 3 / آبان / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

امیدوارم که خدای متعال همه‌ی شما برادران و خواهران را که از نقاط مختلف کشور تشریف آوردید، مشمول لطف و رحمت و فضل خود قرار بدهد. از همه‌ی شما، مخصوصاً آقایان علمای اعلام و خانواده‌های محترم شهدا و رزمندگان عزیز، تشکر می‌کنم و امیدوارم که توفیقات الهی، شامل حال همه‌ی شما باشد. در ابتدا، جمله‌ی کوتاهی به این نابینایان عزیزمان - مخصوصاً جوانان نشان - عرض کنم و آن این است که قدر قوای جسمی خود را بدانند و با وجود این که از بینایی برخوردار نیستند، توجه کنند که راه ترقی به روی آنها باز است. مبدا کسانیه که به خاطر ضایعه‌ی و یا این که خلقتا این گونه بوده‌اند و یکی از حواس یا یکی از اعضا را در بدن خود کم دارند، خیال کنند که راه ترقی علمی و عملی برای آنها بسته است. همه‌ی افرادی که از یکی از اعضای بدن - چه چشم، چه گوش، چه دیگر اعضا - محرومند، بقیه‌ی نعم الهی و بخصوص هوش و ذهن خویش را به کار اندازند و خود را به صورت انسانهای مفید و بخصوص عالمی درآورند و برای کشور و مردم و خودشان مفید بشوند. اما مسأله‌ی اصلی این است که در انقلاب ما، یک بعد جهانی و بین‌المللی وجود دارد که یکی از مهمترین ابعاد انقلاب ماست. از این بعد، نباید لحظه‌ی غفلت بشود. بعد جهانی و بین‌المللی - یعنی حرف ملت ایران و راه و هدفهای او - برای بقیه‌ی ملتها و حداقل برای بعضی از ملتهاي عالم، مورد قبول و مورد علاقه است. این طور نیست که ملت ایران انقلابی کرده‌اند و بقیه‌ی ملتها تماشا کنند و بگویند: این، برای خودشان و مربوط به اوضاع و احوالشان بود و به ما ارتباطی یا فایده‌ی ندارد.

خیلی از کشورها را انسان می‌تواند ببیند که در آنها حادثه و تحولی هم به وجود آمد، اما این حادثه و تحول، یا در مرزهای خود آنها محدود شد و یا برد خیلی کمی داشت. انقلاب اسلامی ایران، برد زیادی داشت و هنوز دارد و در آینده هم خواهد داشت. دلیل اصلی این قضیه این است که انقلاب ما برای اسلام بود. نمی‌گوییم که مردم از اوضاع کشور در دوران حکومت طاغوت، ناراضی نبودند و تغییر آن را نمی‌خواستند. مردم، از همه چیز دوران طاغوت ناراضی بودند. مردمی که وقتی در دوران سلطنت طاغوت - چه در رژیم وابسته‌ی پهلوی و چه در غالب حکومت‌های قبل از آن - چشم خود را باز می‌کردند و حقایق را می‌دیدند، سختی و بدی و ذلت و نابودی شخصیت خود را احساس می‌کردند. طبیعی بود که بخواهند در زندگی و معیشتشان این سختیها تغییر پیدا کند؛ اما اساس همه‌ی آن سختیها یک چیز بود و آن این بود که هیچ کس برای مردم و عقیده و فکر و ایمان آنها ارزشی قایل نبود. مردم، اسلام و رسوم اسلامی را می‌خواستند؛ ولی دست‌های قدرت و حکومت، ضد اسلام را تبلیغ می‌کردند. دست قدرتهای زمان، فساد اخلاقی و برهنگی و دوری از رسم و سنت اسلامی را ترویج و بر مردم تحمیل می‌کرد. در مقابل چشم مردم، همه‌ی چیزهای محبوب آنها مورد اهانت قرار می‌گرفت. این، راز اصلی قضیه بود. ایمان اسلامی ملت ما، یکی از عمیقترین ایمانهاست. کسانی که ملتهای دیگر را از نزدیک دیده‌اند، شهادت می‌دهند که ملت ایران نسبت به اسلام و عقاید و احکام اسلامی، یکی از مؤمنترین ملتهای مسلمان است. برای مردم روشن شد که در سایه‌ی اسلام می‌توانند زندگی آزاد و برخوردار از نعم معنوی و مادی داشته باشند. اسلام، ایمان و محبت مردم بود. مردم قیام کردند و این انقلاب عظیم انجام گرفت و به دست آنها، حکومتی بر پایه‌ی اسلام به وجود آمد.

هر جا در دنیا مسلمانی هست، به این حرکت احساس علاقه می‌کند؛ چون این حرکت در چارچوبهای میهنی و ملی - که مخصوص ملتی و دون ملت دیگری باشد - محدود نبود؛ بلکه حرکتی برای اسلام بود که اسلام میان ملتهای بسیاری مشترک است. پس، ملتهای مسلمان، به این انقلاب و نظام علاقه‌مندند.



در يك نگاه ديگر، چون اين انقلاب ضد قدرتهای قلدر عالم بود، يعني ابرقدرتها را يكجا و با هم نفي مي‌کرد و مي‌کند و ملت ايران به همهي قدرتهای مستکبر عالم، "نه" گفت، پس هر جا ملتي زير فشار يکي از اين قدرتها قرار داشت و قرار داشته باشد، به اين انقلاب علاقه‌مند است؛ چون حرف دل اوست.

خيلي ملتها هستند که از حضور امريکا و نفوذ استکبار و ايجاد پايگاههای نظامي و دخالتهای اقتصادي و ترويج فرهنگ بيگانه در کشورشان، دلپايشان پر است و ناراحت و ناراضيند؛ اما جرأت نفس کشيدن و قدرت اقدام کردن ندارند، رهبري براي حرکت در ميان آنها نيست و اختناق به نحوي است که اجازه‌ي تکان خوردن به آنها نمي‌دهد. کشورهای مرتجعي که به امريکا وابسته‌اند، غالباً از اين قبيل هستند. اين ملتها، وقتي مي‌بينند ملتي آزادانه و با قدرت و بدون ترس، در مقابل نفوذ امريکا و فرهنگ غرب و دخالت استکبار و حضور نظامي و اقتصادي و فرهنگي بيگانه، شعار مي‌دهد و عمل مي‌کند و محکم مي‌ايستد، قهري است که در دلشان نسبت به اين ملت و انقلاب، احساس علاقه مي‌کنند.

بعد جهاني، يعني همين که ملت و انقلاب ما، براي ملتهای ديگر پيامي دارد و آن پيام اين است که اگر ملت بخوهد و اگر گرد يك رهبر و محور توانايي مجتمع بشود، خواهد توانست کارهای نشدني را انجام بدهد. براي همهي مسلمانان پيامي دارد و آن اين است که با وجود آن که سالهای متمادی است دستهای ضداسلام تلاش مي‌کنند تا اسلام را از بين ببرند، اگر مسلمانها اراده کنند و بخوانند، مي‌توانند اسلام را به جامعه برگردانند و حاکميت بدهند. اين، پيامهای ملت و انقلاب ماست.

گمان نکنيد که ملتهای ديگر، اين پيامها را درک نمي‌کنند و نمي‌شنوند. اين که شما مشاهده مي‌کرديد در مراسم حج در کنار شما و همصداي با شما، از آفريقا و آسيا و خاورميانه و عرب و ترک و بقيه‌ي مليتها مي‌ايستند و شعار مي‌دهند و راهپيمايي مي‌کنند، در حقيقت پاسخي است که آنها به پيامهای شما مي‌دهند. اين که مشاهده مي‌کنيد امروز تبليغات استکباري اين همه عليه ايران تبليغات دروغ مي‌کنند، به خاطر اين است که مي‌خواهند نظر آن ملتها را از شما برگردانند. اين همه تبليغات خلاف واقع و دروغ واضح مي‌کنند که اگر کسي اين خبرهای جهاني را بخواند و به چگونگي کار تبليغاتچيها آشنا نباشد، حقيقتاً تعجب خواهد کرد و از خود خواهد پرسيد اينها از کجا حرف مي‌زنند؟ راجع به کدام ملت و کدام کشور سخن مي‌گويند؟! اين تبليغات ضد ايران و ضد جمهوري اسلامي و ضد ملت قهرمان و بزرگ ما، براي همين است که ملتهای ديگر را دلسر و نااميد کنند و نظر آنها را از اين جا برگردانند. شما ملتي هستيد که بر اثر تجربه‌ي بزرگ انقلابتان و بخصوص بر اثر آزمايش عظيمي که در جنگ از خود نشان داديد و محبت عاشقانه‌يي که نسبت به امام بزرگوارتان - در حيات و مماتش - ابراز کرديد و شجاعتي که در مقابل قدرتها از خود نشان داديد، در چشم ملتهای ديگر، يك ملت بزرگ و قهرمان به حساب مي‌آييد و حق هم همين است. آيا اين توجه و علاقه‌ي جهاني، به درد ملت ايران مي‌خورد يا نه؟ بله، خيلي هم به درد مي‌خورد. پشتيباني ملتها از شما، دست دشمنان و قدرتها را در فشار به ملت ايران بسته و محدود کرده است. يعني هر گونه فشاري از سوي دشمن و هر مظلوميتي از طرف ملت ما، ملتهای ديگر را به حقانيت پيام ملت ايران بيشتري معتقد خواهد کرد و اين، براي استکبار خطرناک است.

امروز، در خيلي از کشورهای جهان، همين حرفها و اعتقادات و راه و شعارها و حتي رسوم و عادات انقلابي ملت ايران، نزد بسياري از ملتها به عنوان سرمشق به حساب مي‌آيد و آنها همين شعارها را مي‌دهند و همين رسوم را عمل مي‌کنند. من، در چند سال قبل از اين، در يکي از کشورهای دوردست که فاصله‌ي زيادي با کشور ما دارد، ديدم که زنهای جوان علي‌الظاهر دانشگاهي، پوشش خود را شبیه پوشش زنهای انقلابي ايران قرار داده بودند. اين، بر اثر چيست؟ ما کساني را به آن جا نفرستاديم که بروند بگويند شما پوشش زنها را اين گونه قرار بدهيد و به اين شکل لباس بپوشيد. اين، گسترش طبيعي پيام انقلاب است. امروز، همين حرفها و شعارها و عقايد و هدفها، در بسياري از



کشورهای جهان - بخصوص کشورهای اسلامی - وجود دارد و مطرح است و مردم پرشور - و مخصوصاً جوانها - را به خود جذب و جلب می‌کند. این، همان چیزی است که استکبار از آن می‌ترسد.

از این صحبت کوتاه، دو نکته را استنتاج می‌کنم: اول این که چون رابطه‌ی معنوی ملت و انقلاب ما با ملت‌های دیگر، برای استکبار چیز خطرناکی است، استکبار سعی می‌کند این رابطه را قطع کند. به چند طریق می‌تواند این کار را بکند: یکی این که به وسیله‌ی دولت‌های وابسته و مزدورشان، روی آن ملت‌ها فشار آورند که البته این راه، راه موفقی نیست؛ زیرا هرچه فشار را روی آنها بیشتر کنند، علاقه آن مردم به انقلاب و نظام اسلامی بیشتر می‌شود.

راه دیگر این است که در تبلیغات جهانی طوری حرف بزنند که دل ملت‌ها از ایران سرد بشود. البته، این کار را از اول انقلاب تاکنون انجام داده‌اند. این که می‌بینید نسبت مرتجع و بنیادگرا می‌دهند و مرتب آمار شکنجه و اعدام را از کشور ما پخش می‌کنند، برای این است که ملت‌های دیگر در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان، نسبت به ملت ایران و حکومت اسلامی دلسرد شوند.

وقتی که قاچاقچی دشمن جان جوانها و انسانها به مجازات می‌رسد، در تبلیغات استکباری گفته می‌شود: مخالفان سیاسی دولت کشته شدند! عفو به اصطلاح بین‌الملل - که یک سازمان وابسته به محافل قدرتمند دنیاست - هر چند وقت یک بار، برای تفنن هم که شده، از تعداد اعدامها و شکنجه‌ها و کشتارها و بگیروبیندهای ادعایی خود در ایران لیستی تهیه می‌کند و آماری را که دشمنان ما ساختند و پرداختند و دست آنها دادند، منتشر می‌سازد. این، برای همین است که وقتی ملت‌های دیگر این تبلیغات را شنیدند، نسبت به ملت ایران و حکومت اسلامی دلسرد بشوند. این هم راهی است که از اول انقلاب تاکنون انجام می‌دهند.

یک راه دیگر هم که از همه بدتر و خطرناکتر می‌باشد، این است که فکر رابطه با ملت‌ها را از ذهن خود ما ملت ایران ببرند. یعنی از طرف ما رابطه را قطع کنند و به ملت ایران تلقین نمایند که شما به فکر خودتان باشید، به ملت‌های دیگر و به دنیا چه کار دارید؟! خودتان را دریابید و بسازید و مشکلات خودتان را برطرف کنید. ممکن است این فکر در بعضی از افراد ساده‌لوح اثر هم بکند، غافل از این که مشکلات یک ملت انقلابی، با کارهای گوناگون و متنوعی برطرف می‌شود که یکی از آنها، همین حمایت‌های جهانی است.

بسیاری از مشکلات، مشکلاتی است که دشمن بر ما تحمیل کرده و با دست او در کشور مشکل به وجود آمده است. این طور نیست که ما به خودی خود، مشکل داشته باشیم. دشمنان خارج از این مرزها - نه دشمنان حقیری که احياناً در داخل هستند - با محاصره‌ی اقتصادی و فشار و تحمیل جنگ و با بسیاری از کارهای دیگر، مشکلات را سازماندهی می‌کنند.

اگر ملت ایران بخواهد مشکلات خود را برطرف بکند، کافی نیست که در داخل مرزها دور خودش بچرخد و به تک تک مشکلات و گره‌ها فکر کند و بیندیشد که چگونه باید آنها را باز کند. می‌باید توطئه‌ی دشمن را در بیرون هم خنثی کند. در جبهه‌ی جهانی هم باید در مقابل دشمن قرار بگیرید و بهترین شیوه و طریق آن، عبارت از افکار عمومی ملت‌هاست. پس، ما نباید این رابطه را از این طرف قطع کنیم. البته، دشمن از این گونه تبلیغات دارد.

نکته‌ی دومی که می‌خواهم مطرح بکنم، این است که اگر ملت ایران بخواهد همیشه محبوب و مورد قبول و علاقه‌ی ملت‌های دیگر بماند، باید در داخل، شخصیت و منش و چهره‌ی انقلابی خود را حفظ کند. آن چیزهایی که شما را در چشم ملت‌ها بزرگ کرد، عبارت از: اولاً، وحدت شما بود. این وحدت را حفظ کنید این، عنصر بسیار باارزشی است. یک ملت یکپارچه، برای ملت‌های دیگر اسوه است. ثانیاً، شجاعت شما و نترسیدن از دشمنان بود. این عنصر را در جنگ و انقلاب و صحنه‌های گوناگون ثابت کردید. این را نیز بایستی حفظ کنید؛ همچنان که بحمدالله تاکنون حفظ کرده‌اید. ثالثاً، پیوند و وابستگی و یکپارچگی کامل و شدید میان ملت و مسؤولان بود. این، برای دنیا یک چیز تماشایی است. در کشورهای دیگر کمتر اتفاق می‌افتد که سران و مسؤولان کشورها در میان مردم خود، این قدر



محبوبیت داشته باشند.

در کدام کشور سراغ دارید که رئیس يك کشور از خیابانی عبور کند و مردم بریزند و ماشین او را ببوسند و نسبت به او اظهار علاقه و احترام کنند؟ در شهرهای مختلف کشور انقلابی ما، این مناظر مشاهده شده است و می شود. این علاقه ی ملت به مسؤولان، بخصوص آن پیوند عاشقانه یی که ملت ایران با امام بزرگوار (ره) داشتند، از آن چیزهای نمونه یی است که ملت های دنیا را به این ملت جذب می کند.

و بالاخره، خصوصیت چهارمی که ملت ایران را در چشم ملت ها بزرگ و چهره یی او را درخشان می کرد، این بود که ملت ما در طول دوران جنگ و انقلاب، مسایل کشور و انقلاب را بر مسایل شخصی ترجیح داد. این فداکاریها و ایثارها، بسیار مهم است. من، امروز هم به آحاد ملت عزیزمان می گویم که مسایل کشور و انقلاب را بر مسایل و نیازهای شخصی خود ترجیح بدهند. برای انقلاب و ایران و عظمت و پیشرفت و آبادی کشور کار کنید که در این صورت، منافع همه یی قشرها و آحاد کشور هم تأمین خواهد شد. البته، همیشه اقلیتی بودند و هستند که منافع خود را بر منافع کشور و ملت ترجیح می دادند و می دهند. اینها، کار و روششان مردود است.

برای بازسازی و آبادانی و عمران سرتاسر کشور، برای تقویت دولت و برای پیشرفت هدفها و برنامه های اقتصادی یی که مسؤولان طرح می کنند، همه یی مردم خودشان را متعهد بدانند. این، به آبادی کشور خواهد انجامید و همان چیزی است که همیشه چهره یی انقلابی ملت ما را در مقابل ملت های دیگر، چهره یی باصلابت و قدرتمندی نشان خواهد داد و این رابطه یی معنوی حفظ خواهد شد.

البته، تأییدات الهی شرط اول است. باید رابطه یی قلبی با خدا را قویا حفظ کرد. باید حالت تقوا و پرهیزگاری و معنویتی را که در انقلاب ما بوده و هست و باید باشد، قویا حفظ کنید. در این کار، مخصوصا جوانها باید پیشقدم باشند؛ زیرا محبوبترین انسانهای جامعه در نزد پروردگار، جوانهای پارسا و پرهیزگار و مؤمن هستند. این، برکات الهی را جلب می کند و روح نشاط اسلامی را در جامعه زنده نگه می دارد. این رابطه یی قلبی و ارتباط معنوی با خدا را حفظ کنید. خدای متعال هم، الطاف و فضل و فیض و کمک خود را بر شما نازل خواهد کرد.

امیدواریم که خداوند به همه توفیق عنایت فرماید و شما برادران و خواهران عزیز را مشمول برکات خود قرار بدهد و برادران پاکستانی که در جلسه یی ما هستند و همه یی ملت مؤمن و مسلمان پاکستان و سایر ملت های مسلمان را مشمول لطف و فضل و فیوضات خود قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته